

نظریه مشروعیت سبق و رمایه در تسلیحات نظامی مدرن

زهرة حاجیان فروشانی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۲۹)

چکیده

یکی از اهداف مهم در تشریح قوانین اسلامی، حفظ کیان اسلام و دفاع از تمامیت ارضی حکومت اسلامی است. بسیاری از مقررات اسلام نیز در همین راستا تشریح شده‌اند. یکی از این مقررات مشروعیت عقد سبق و رمایه است. مشروعیت این عقد در روایات زیادی مورد تأکید قرار گرفته و فقها در جواز آن هیچ اختلاف نظری ندارند. اما آنچه در این تحقیق مورد عنایت قرار گرفته این است که آیا مشروعیت سبق و رمایه، چنانچه بسیاری از فقهای متقدم گفته‌اند، به موارد مذکور در روایات اختصاص دارد یا می‌توان جواز این عقد را در تسلیحات نظامی جدید نیز جاری دانست؟ در این مقاله با روش تحلیلی - استنباطی به این مسئله پرداخته شده و پس از نقد و بررسی اقوال فقها این نتیجه به دست آمده که عقد سبق و رمایه نه تنها در تسلیحات نظامی مدرن جایز است؛ بلکه جواز این عقد در منصوصات شرعی نیز تا زمانی است که آن وسایل کاربرد نظامی داشته باشند.

واژگان کلیدی: تسلیحات نظامی مدرن، سبق و رمایه، مشروعیت

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: z.hajian@scu.ac.ir

مقدمه

سبق و رمایه نوعی قرارداد برای مسابقه در اسب‌دوانی یا شتردوانی و یا تیراندازی است. [۴۸، ج ۲۰، ص ۱۰۴] سبق و رمایه با اینکه نوعی شرط‌بندی است و اسلام شرط‌بندی را منع کرده، اما نظر به اینکه سبق و رمایه برای تمرین جهاد و دفاع است، جایز شمرده شده و ادله زیادی بر جواز آن دلالت دارد. خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید:

"وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ" (الانفال: ۶۰)

«هر نیرویی که در توان دارید برای مقابله با دشمنان آماده سازید و همچنین اسب‌های ورزیده را؛ تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و همچنین گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.»

مقصود آیه شریفه این است که با هر چه موجب تقویت شما در جنگ با دشمنان می‌گردد، خود را تقویت کنید. وجه استدلال به این آیه این است که خداوند متعال مسلمین را به آمادگی در تیراندازی و اسب‌دوانی برای جنگ در مقابل دشمنان امر فرموده و مسلم است که آمادگی در این امر تنها با تعلیم و تعلم حاصل می‌شود؛ و از آنجا که هدف اصلی تعلیم با مسابقه حاصل می‌شود - زیرا با مسابقه است که هر یک از افراد نهایت تلاش خود را برای کسب مهارت مبذول داشته و خود را برای برتری و پیروزی آماده ساخته و هدف اصلی حاصل می‌شود - این آیه بر جواز سبق و رمایه دلالت دارد. [۲۵، ج ۶، ص ۲۸۹؛ ۲، ج ۳، ص ۱۴۶؛ ۳۶، ص ۳۵۳؛ ۴، ج ۲، ص ۹۸؛ ۳، ج ۳، ص ۸۰؛ ۲۰، ج ۲۱، ص ۲۸۱؛ ۱۸، ج ۲، ص ۳۷] در برخی روایات نیز این آیه شریفه به همین معنا تفسیر شده است.^۱

علاوه بر آیه فوق روایات زیادی نیز بر جواز این قرارداد دلالت می‌کنند؛ از جمله: طلحه بن زید از امام صادق (ع) نقل می‌کند: "تیراندازی تیری از تیرهای اسلام است".^۲ [۴۲، ج ۵، ص ۵۱]

العلاء بن سیابه می‌گوید: "از ابی‌عبدالله (ع) شنیدم که می‌فرمود: ... رسول الله (ص)

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرْيْفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَاعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ - قَالَ الرَّمِيُّ. [۱۴، ج ۱۹، ص ۲۵۲؛ ۴۲، ج ۵، ص ۴۹]

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: الرَّمِيُّ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ الْإِسْلَامِ.

گله‌اسبان را راه می‌انداخت و بین آنها مسابقه اجرا می‌کرد و می‌فرمود: در هنگام مسابقه و شرطبندی بر خف (شتر و فیل) و حافر (اسب و الاغ و قاطر) و ریش (نیزه) ملائکه حاضر می‌شوند و غیر اینها قمار و حرام است.^۱ [۱۴، ج ۱۹، ص ۲۵۳]

حفص از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند: "مسابقه تنها در خف و حافر و نصل (نیزه و شمشیر) جایز است.^۲ [همانجا] همچنین از امام سجاد (ع) نقل شده که پیامبر (ص) گله اسبان را راه می‌انداخت و برای برنده ظروفی از نقره قرار می‌داد.^۳ [همان]

روایات فوق نمونه‌ای از نصوصی است که بر مشروعیت سبق و رمایه دلالت می‌کند. علاوه بر این روایات، فقها نیز بر جواز این عقد اتفاق نظر دارند. [۳، ج ۳، ص ۸۱] تنها مسئله‌ای که درباره این عقد اسلامی باقی می‌ماند این است که آیا سبق و رمایه در وسایل جنگی جدید نیز جایز است؟

توضیح مطلب این است که در احادیث مذکور، مسابقه تنها در نیزه و اسب و چیزهایی مانند آنها که برای آمادگی جهت دفع دشمن لازم بوده، جایز شمرده شده؛ از طرفی بدیهی است که در زمان حاضر دشمن با این وسایل مهیای جنگ نمی‌شود. بنابراین موضوع اشیاء منصوص، در زمان حاضر، عملاً منتفی است. حال با توجه به این مطلب سؤال اساسی این است که آیا سبق و رمایه با اسلحه جدید جایز است یا باید باب مسابقه به طور کلی از فقه ملغی گردد؟

در راستای پاسخ به این سؤال باید بحث را در دو جهت دنبال کنیم یکی مشروعیت مسابقه در سلاح جدید در صورتی که بدون عوض باشد؛ و دیگری سبق و رمایه در این وسایل در مقابل عوض است. برای این منظور ابتدا نظرات فقها مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت نظر تحقیق به طور تحلیلی و با توجه به ادله بیان خواهد شد.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ النَّمَيْرِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ - وَ لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ - فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ أَجْرَى الْخَيْلَ وَ سَابَقَ - وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الرَّهَانَ - فِي الْخُفِّ وَ الْحَافِرِ وَ الرَّيْشِ - وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ قِمَارٌ حَرَامٌ.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلِ يَعْنِي النَّضَالَ.

۳. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَجْرَى الْخَيْلَ - وَ جَعَلَ سَبَقَهَا أَوْاقِيَّ مِنْ فِضَّةٍ.

۱- حکم مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات

در مورد مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات، دو قول بین فقها وجود دارد. برخی فقها معتقدند مسابقه حتی در صورت بدون عوض بودن در غیر منصوصات جایز نیست. [۱۲، ج ۱، ص ۱۴۵؛ ۲۵، ج ۶، ص ۲۹۱؛ ۳۸، ج ۲، ص ۳۵۰] در مقابل عده‌ای از فقها قائل به جواز هستند البته به شرطی که غرض عقلایی مهمی بر مسابقه مترتب باشد. [۴۵، ج ۱، ص ۷۱۶؛ ۵۳، ص ۷۱۲؛ ۲۳، ج ۶، ص ۷۰] و از آنجا که بر مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن یکی از مهمترین اهداف تشریح احکام اسلامی یعنی آمادگی برای دفاع و جهاد مترتب است، این مسابقه جایز می‌باشد.

قائلین به حرمت برای اثبات نظر خود به چند دلیل استناد کرده‌اند:

الف - اجماع: برخی فقها برای حرمت این امور به اجماع استناد کرده‌اند. [۳۶، ص ۳۵۴]

ب - دلیل دوم این گروه از فقها روایت «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ» است. با این استدلال که مسابقه در غیر موارد مذکور در نص نفی شده است و مراد از نفی، نفی مشروعیت مسابقه در غیر منصوصات است حتی اگر بدون عوض باشد. [۲۵، ج ۲، ص ۲۹۱؛ ۳۶، ص ۳۵۴]

ج - مفهوم قمار بر مطلق مسابقه و مغالبه صدق می‌کند اگرچه بدون عوض باشد. بنابراین اطلاعات دال بر حرمت قمار بر حرمت این مسابقات دلالت می‌کند. [۱۲، ج ۱، ص ۱۴۵].

د - چهارمین دلیل قائلین به حرمت استناد به ادله حرمت لهو و لعب است. با این استدلال که مسابقه در غیر منصوصات مصداق لهو و لعب است و لذا حرام می‌باشد. [۳۸، ج ۲، ص ۳۵۰]

دلایل فوق ادله‌ای است که قائلین به حرمت به آن استناد کرده‌اند اما تمام این ادله قابل مناقشه است. در مورد استناد به اجماع، به فرض تحقق چنین اجماعی، این اجماع قابلیت استناد ندارد زیرا احتمال دارد دلیل مجمعی نصوصی باشد که مورد استناد فقها قرار گرفته، لذا این اجماع مدرکی بوده و معتبر نیست.

روایت نیز تنها در صورتی بر حرمت مسابقه بدون عوض در غیرمنصوصات دلالت می‌کند که حرکت "ب" در "لاسبق" سکون باشد؛ در حالی که این امر ثابت نشده است. توضیح مطلب این است که در روایت "لاسبق" الا فی خف او حافر او نصل " دو احتمال در قرائت "سبق" وجود دارد. یکی اینکه علامت "ب" در لاسبق، سکون باشد،

در این صورت چون افاده نفی مصدر می‌کند و مسابقه را در غیر موارد منصوص نفی کرده، بر عدم مشروعیت مسابقه در غیرمنصوصات دلالت می‌کند. اما در روایت احتمال دیگری هم هست و آن اینکه علامت "ب" در لاسبق، فتحه باشد - چنانچه گفته شده قرائت صحیح همین قرائت به فتحه است و قرائت به فتحه نزد محدثین مشهور است [۲۳، ج ۶، ص ۷۰] - در غیر منصوصات فقط مشروعیت عوض نفی می‌شود. (سبق به فتحه ب به معنی عوض مورد گرو در سبق و رمایه است) اما اصل فعل در صورتی که دلیل خاصی بر تحریم آن وارد نشده باشد، بر اصل اباحه باقی می‌ماند، به خصوص اگر غرض صحیح عقلانی به آن تعلق گرفته باشد. حتی اگر گفته شود قرائت سبق با فتح "ب" ثابت نشده است وجود دو احتمال در روایت دلالت روایت بر عدم جواز مسابقه بدون عوض در غیرمنصوصات را ساقط می‌کند. [۲۳، ج ۶، ص ۷۰؛ ۴۷، ص ۲۹۹] به عبارت دیگر عدم جواز متفرع بر سکون "ب" است در حالی که این امر ثابت نیست و اصل عدم منع است. بنابراین به دلیل احتمال وجود فتحه "ب"، روایت بر نفی مشروعیت مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات دلالت نمی‌کند. [۵۳، ص ۷۱۲] به همین جهت است که برخی از فقهای سبق و رمایه را منحصر در منصوصات می‌دانند، جواز سبق و رمایه را در وسایل جنگی که در روایت ذکر نشده، به شرط بدون عوض بودن، پذیرفته‌اند. [۴۵، ج ۱، ص ۷۱۶؛ ۵۳، ص ۷۱۲؛ ۲۳، ج ۶، ص ۷۰]

اما صدق قمار بر مطلق مسابقه ولو بدون عوض باشد، قابل پذیرش نیست. زیرا مفهوم قمار، به شهادت کتب لغوی، متقوم به رهن و عوض است. [۳۲، ج ۵، ص ۱۱۵؛ ۱۳، ج ۷، ص ۴۱۲] بلکه برخی از لغویین، بازی با آلات معده برای قمار، را نیز در مفهوم قمار دخیل می‌دانند. [۲۸، ج ۳، ص ۴۶۳] بنابراین در صورتی که مسابقه خالی از عوض باشد، قمار بر آن صدق نمی‌کند و لذا تخصصاً از مفهوم قمار خارج است. اگر اشکال شود که در صورت دخالت رهن و عوض در صدق مفهوم قمار، چرا بازی با آلات معده برای قمار بدون عوض هم حرام است؟ در پاسخ باید گفت حرمت بازی با آلات معده برای قمار در صورت بدون عوض بودن، به جهت صدق مفهوم قمار نیست. بلکه به دلیل ادله خاصی است که در این زمینه وجود دارد و بر حرمت بازی با آلات معده برای قمار به طور مطلق (همراه عوض باشد یا بدون عوض) دلالت می‌کند. [۵۶، ج ۲، ص ۸۲؛ ۶، ج ۲، ص ۳۶؛ ۵۷، ص ۶۴۶]

اما در پاسخ دلیل چهارم باید گفت لهُو به گفته کتب لغت به معنی لعب است. (۳۲، ج ۱۵، ص ۲۵۸؛ ۱۳، ج ۲۰، ص ۱۷۰) لعب نیز به معنی کاری است که دارای نفع و غرض

عقلایی نیست. [۳۲، ج ۱، ص ۷۳۹؛ ۱۳، ج ۲، ص ۴۰۳] بنابراین لهُو به معنای کاری بیهوده است یا کاری که به انسان فایده‌ای نمی‌رساند. [۵۵، ص ۷۴۸] با این تعریف التزام به حرمت مطلق لهُو ممکن نیست زیرا بسیاری از امور مباح همچون بازی با سنگ، درخت، حیوان و غیره، در تعریف لهُو داخل است اما حرام نیست زیرا دلیلی بر حرمت مطلق لهُو وجود ندارد. [۵۶، ج ۲، ص ۸۳؛ ۶، ج ۲، ص ۳۷؛ ۵۷، ص ۶۶۱] حتی شیخ انصاری معتقد است هیچ اختلاف نظری بین فقها در عدم حرمت مطلق لهُو وجود ندارد. [۱۲، ج ۱، ص ۱۰] بلکه فقط آن قسمی از لهُو حرام است که موجب خروج انسان از حالت طبیعی می‌شود به طوری که حکومت عقل نسبت به حرکات و سکنات او مختل می‌گردد مانند غنا [۵۰، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ۱۲، ج ۱، ص ۱۶۰] بنابراین از نظر حکمی دلیلی بر حرمت مطلق لهُو وجود ندارد و قدر متیقن از ادله حرمت لهُو، فعلی است که حکومت عقل را نسبت به افعال انسان زائل کند که محل بحث از این قبیل نیست.

از نظر موضوعی نیز بسیاری از مسابقات دارای فوائد و اغراض عقلایی است، مانند فوائد ادبی، جسمی، نظامی و غیره، لذا امر لهُوی محسوب نمی‌شود. به خصوص در محل بحث که مسابقه در سلاح‌های جدید برای تقویت نیروی نظامی جهت آمادگی برای جهاد و دفاع از اسلام است. بنابراین مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن تخصصاً از ادله حرمت لهُو خارج است. [۵۶، ج ۲، ص ۸۳؛ ۵۷، ص ۶۶۲]

از مطالب مذکور روشن می‌شود که هیچ یک از ادله فائلین به حرمت برای اثبات حرمت مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات - در صورتی که دارای فایده و غرض صحیح عقلایی باشد - کافی نیست. بنابراین وقتی دلیلی بر حرمت وجود نداشته باشد مقتضای اصل اباحه شرعی و قبح بلا بیان عقلی، اباحه مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات است البته به شرطی که دارای فایده و غرض عقلایی باشد. مؤید این مطلب این است که سیره متشرعه از علما و عوام، بر انجام مسابقات در غیر منصوصات با اغراض عقلایی استقرار یافته است. [۲۶، ج ۲۸، ص ۲۲۰؛ ۵۷، ص ۶۵۸؛ ۴۷، ص ۳۰۰] لذا از آنجا که مسابقه در سلاح‌های نظامی مدرن دارای مهمترین اغراض عقلایی و شرعی یعنی آمادگی برای جهاد و دفاع است، جایز می‌باشد.

۲- حکم مسابقه همراه با عوض در غیر منصوصات

مراجعه به کتب فقهی نشان می‌دهد فقها در این باب سه موضع اتخاذ نموده‌اند که در ادامه به بیان این نظریات و نقد و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲- نظریه عدم جواز در غیر موارد منصوص

بسیاری از فقها این عقد را فقط در موارد منصوص جایز می‌دانند. منتهی فقیهان این گروه، که اکثریت آن را متقدمین تشکیل می‌دهند، به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از آن‌ها بدون توجه به هدف تشریح این قرارداد اسلامی، مشروعیت این عقد را به موارد مذکور در نص منحصر کرده‌اند [۲۵، ج ۶، ص ۲۹۰؛ ۲۴، ج ۲، ص ۳۴۳؛ ۴۴، ج ۲، ص ۱۸۵؛ ۳۷، ج ۳، ص ۱۶۴؛ ۲۲، ج ۲، ص ۳۴۳؛ ۲۱، ص ۴۴۱؛ ۳، ج ۳، ص ۸۱؛ ۱۵، ج ۲، ص ۲۱۷] اما گروه دیگر به غرض اصلی مشروعیت این قرارداد توجه داشته‌اند ولی علی‌رغم این دقت نظر در موارد جواز این عقد به مذکورات منصوص بسنده نموده‌اند. [۲، ج ۳، ص ۱۴۶؛ ۳۶، ص ۳۵۳؛ ۳۵، ج ۶، ص ۲۵۶؛ ۳۹، ج ۲، ص ۳۶۴؛ ۳۸، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ۲۳، ج ۶، ص ۶۹؛ ۴۵، ج ۱، ص ۷۱۶؛ ۳۳، ص ۵۷؛ ۳۰، ج ۲، ص ۴۰؛ ۹، ج ۲، ص ۳۶۱-۳۶۳؛ ۲۶، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ۵۳، ص ۷۱۱]

این فقها برای اثبات نظر خود به چند دلیل استناد کرده‌اند که عبارتند از:

- الف) اجماع: برخی فقها معتقدند اجماع، به هر دو قسم (محصل و منقول)، بر عدم جواز سبق و رمایه در غیر موارد منصوص دلالت می‌کند [۲۶، ج ۲، ص ۲۱۹]
- ب) روایات: روایات زیادی وارد شده که مسابقه را در موارد خاصی محصور کرده است. از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده‌اند: مسابقه‌ای نیست مگر در خف (شتر و فیل) یا حافر (اسب، قاطر، الاغ) یا نصل (نیزه)^۱ [۱۴، ج ۱۹، ص ۲۵۲] این روایت نمونه‌ای از روایات متعددی است که در کتب روایی با این مضمون وارد شده که به تعدادی از آن‌ها در مقدمه اشاره شد.
- به‌هرحال، این گروه از فقها با استناد به این روایات مسابقه در غیر موارد منصوص را نفی می‌کنند با این استدلال که ائمه معصومین (ع) مسابقه را نفی کرده‌اند و سپس سه مورد را استثنا نموده‌اند. [۲۵، ج ۶، ص ۲۹۱؛ ۲، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ۲۶، ج ۲، ص ۲۱۹] در حقیقت مقصود این فقها این است که استثنا بعد از نفی مفید حصر است بنابراین مسابقه در غیر موارد منصوص جایز نیست.
- ج) دلیل دیگری که برای این نظریه ارائه شده این است که مسابقه در غیر موارد منصوص در حرمت و فساد ملحق به قمار است بلکه بعضی تصریح کرده‌اند که مسابقه در آن‌ها خود قمار است. [۲۶، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ۱۷، ج ۳، ص ۳۵۰؛ ۴۶، ص ۴۷۱]

۱. محمد بن یعقوب عن غلی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حفص عن ابی عبدالله (ع) قال: لاسبق الا فی خف او حافر او نصل یعنی النضال.

د- دلیل دیگر قائلین به این نظریه این است که این معامله برخلاف اصل است، لذا به موارد مذکور در نص اکتفا می‌شود [۳۸، ج ۲، ص ۳۵۰] مقصود از اصل در اینجا قواعد شرعی است چون مسابقه در بعضی از وجوه مشتمل بر لهو و لعب و قمار است که در شریعت اسلام از آنها نهی شده است. پس اصل این است که این امور جایز نیست مگر در مواردی که شرع اجازه داده است [۹، ج ۲۲، ص ۳۶۱] ظاهراً این دلیل به همان دلیل سوم برمی‌گردد، که مسابقه در غیر موارد منصوص را قمار می‌داند.

۲-۲- نقد و بررسی این نظریه

تمام دلائلی که این فقها برای نظریه خود آورده‌اند قابل خدشه و اشکال است. در مورد اجماعی که صاحب جواهر ادعا کرده‌اند باید گفت با وجود روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد این اجماع مدرکی بوده، لذا معتبر نیست و قابلیت استناد ندارد. برای پاسخ به حصر روایت در موارد منصوص، باید ملاک سبق و رمایه مورد بررسی قرار گیرد؛ و با توجه به اینکه بحث از ملاک سبق و رمایه در اثبات نظریه دوم می‌آید، این دلیل در نظریه دوم پاسخ داده خواهد شد.

در جواب دلیل سوم و چهارم نیز باید گفت ظاهراً مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن ولو در مقابل عوض باشد، از نظر موضوعی، قمار محسوب نمی‌شود. توضیح مطلب این است که برای اثبات موضوع قمار باید به عرف و کلمات لغویین مراجعه شود. عرف مطلق مسابقه در مقابل عوض را قمار نمی‌داند. زیرا قطع داریم در عرف به مسابقه و غلبه در حسن خط، تجوید، قرائت قرآن، مسابقه دو و به طور کلی مسابقاتی که دارای غرض عقلایی است، قمار اطلاق نمی‌شود و لو عوضی را برای برنده قرار دهند. [۶، ج ۲، ص ۲۴؛ ۵۰، ج ۲، ص ۱۹۵] اما در مورد رجوع به کتب لغویین، از اطلاق کلمات بعضی از آنها استفاده می‌شود که مطلق مسابقه در مقابل عوض قمار است [۳۲، ج ۵، ص ۱۱۵؛ ۱۳، ج ۷، ص ۴۱۲] اما صریح برخی [۲۸، ج ۳، ص ۴۶۳] و ظاهر برخی دیگر [۴۱، ص ۶۵۳] دال بر این است که آلات معده برای قمار در صدق مفهوم قمار دخالت دارد. بنابراین به دلیل اختلاف در کلمات لغویین نمی‌توان از کلمات آنها برای صدق عنوان قمار بر مطلق مسابقه در مقابل عوض استفاده کرد. [۶، ج ۲، ص ۲۴] حداقل در صدق عنوان قمار بر مسابقه همراه با عوض، در غیر آلات معده برای قمار، شک می‌شود و در موردی که شک در صدق مفهوم قمار داشته باشیم استناد به اطلاق ادله حرمت قمار جایز نیست. زیرا

استناد به عام در شبهه مصداقیه جایز نیست. [۵۸، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ۶، ج ۲، ص ۱۰] از نظر حکمی نیز مسابقه در سلاح‌های نظامی مدرن را نمی‌توان ملحق به قمار کرد. زیرا دلیل حرمت قمار، همانطور که در روایات^۱ آمده، اکل مال به باطل است. [۱۴، ج ۱۷، ص ۱۶۷] باطل هم عملی است که هیچ غرض عقلایی صحیحی بر آن مترتب نباشد بلکه زیانبخش بوده و منجر به هلاکت و فساد جامعه گردد. [۵۹، ج ۴، ص ۴۷۵] بنابراین حرمت قمار به دلیل مفسد عظیمی است که بر آن مترتب می‌باشد. چنانچه در روایات تحف العقول، در علت ممنوعیت محرمات، داشتن مفسده محض و عدم مصلحت را موجب حرمت قمار و دیگر محرمات برشمرده است.^۲ در قرآن کریم نیز قمار همردیف انصاب (بتهایی که شکل مخصوصی نداشتند و تنها قطعه سنگی بودند) برشمرده است. (المائد: ۹۰) این امر نشان می‌دهد خطر قمار به قدری زیاد است که هم‌ردیف بت‌پرستی قرار گرفته و همچنین رجس و پلیدی و جزء اعمال شیطان قلمداد شده است. بنابراین مطلق مسابقه در غیر منصوبات - ولو در مقابل عوض باشد - را نمی‌توان از نظر حکمی ملحق به قمار کرد. زیرا در بسیاری از این مسابقات فوائد عقلایی مهمی همچون تقویت دین، تقویت جسم، تقویت قوه تفکر و... وجود دارد؛ به خصوص در مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن که یکی از مهمترین اهداف عقلایی و شرعی یعنی آمادگی برای دفاع و جهاد مترتب است. لذا این مسابقات از نظر حکمی نیز به قمار ملحق نمی‌شوند.

به علاوه براساس این نظریه یا باید عقد سبق و رمایه به طور کلی از حقوق اسلام ملغی گردد در حالی که خیلی بعید است این تشریح اسلامی با این فوائد عظیم -

۱. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا - أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ « ۱ » قَالَ نَهَى عَنِ الْقِمَارِ - وَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ - فَتَهَاكُمُ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ. (وسایل، ج ۱۷، ص ۱۶۶)

۲. الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ... وَ أَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ - فَكُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ - مِمَّا هُوَ مَنْهِيٌّ عَنْهُ مِنْ جِهَةِ أَكْلِهِ أَوْ شُرْبِهِ - أَوْ كَسْبِهِ أَوْ نِكَاحِهِ أَوْ مَلَكَه أَوْ إِمْسَاكِهِ أَوْ هَبْتِهِ - أَوْ عَارِيَّتِهِ أَوْ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ وَجْهٌ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ... فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنْهِيٌّ عَنْ أَكْلِهِ - وَ شُرْبِهِ وَ لَبْسِهِ وَ مَلَكَه وَ إِمْسَاكِهِ وَ التَّقْلِبِ فِيهِ - فَجَمِيعُ تَقْلِبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ وَ ذَلِكَ إِنْمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا - الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مُحَضًّا نَظِيرَ الْبِرَابِطِ - وَ الْمَرَامِيرِ وَ الشُّطْرَنْجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ - وَ الصَّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ - مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرَبَةِ الْحَرَامِ - وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مُحَضًّا - وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ - فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ - وَ جَمِيعُ التَّقْلِبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وَجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا... (۱۴، ج ۱۷، ص ۸۳).

چنانچه بسیاری از فقها به این فوائد اذعان نموده‌اند - مختص زمان ائمه باشد؛ یا باید قائل شویم این حکم یک حکم تعبدی محض است و نفس اسب‌دوانی و شمشیرزنی و سایر منصوصات موضوعیت دارد که این احتمال، از احتمال اول بعیدتر و از نظر بسیاری از فقها مردود است. امام خمینی(ره) با لحاظ همه جوانب این تفکر فقهی، در جواب یکی از فضلاء قم نوشته است: "اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنابر نوشته جنابعالی... رهان در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن، که در جنگ‌های سابق بکار گرفته می‌شده است و امروز هم تنها در همان موارد است... بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند". [۵، ج ۲۱، ص ۱۴۹-۱۵۰]

۳-۲- نظریه جواز در قالب عقد سبق و رمایه

در مقابل نظریه‌ی فوق، برخی فقها با در نظر گرفتن هدف و و غایت تشریح این عقد اسلامی از موارد منصوص تعدی کرده و سبق و رمایه را در تسلیحات نظامی جدید نیز جایز شمرده‌اند. منتهی برخی از این فقها به طور قطع فتوا به جواز داده‌اند. [۲۷، ج ۵، ص ۱۶۰؛ ۴۹، ج ۴، ص ۲۶۳؛ ۱۹، ص ۲۰۴؛ ۳۱، ج ۸، ص ۵۰۸؛ ۵۰، ج ۲، ص ۷۵۶؛ ۴۷، ص ۲۹۹؛ ۷، ج ۲، ص ۲۸۶] اما برخی با این قاطعیت فتوا نداده‌اند بلکه صحت را محتمل دانسته و بعید ندانسته‌اند [۵۴، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ۱۱، ج ۲، ص ۱۳۷؛ ۱۶، ج ۲، ص ۱۷۳؛ ۴۰، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ۵۲، ج ۲، ص ۱۱۹] از اظهارات محقق اردبیلی در تفسیر روایات نیز جواز سبق و رمایه در هر وسیله‌ای که کاربرد نظامی و دفاعی داشته باشد، استنباط می‌گردد [۴۳، ج ۱۰، ص ۱۷۱]

در حقیقت قائلین به این نظریه علاوه بر جواز سبق و رمایه در وسائل منصوص در روایات، سبق و رمایه را در وسایل نظامی مدرن نیز جایز می‌دانند. دلیل این قول این است که ملاک سبق و رمایه - چنانچه بسیاری از فقها اذعان نموده‌اند - آمادگی برای جهاد و دفاع از اسلام است. [۲، ج ۳، ص ۱۴۶؛ ۳۶، ص ۳۵۳؛ ۳۵، ج ۶، ص ۲۵۶؛ ۳۹، ج ۲، ص ۳۶۴؛ ۳۸، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ۲۳، ج ۶، ص ۶۹؛ ۴۵، ج ۱، ص ۷۱۶؛ ۳۳، ص ۵۷؛ ۳۰، ج ۲، ص ۴۰؛ ۹، ج ۲۲، ص ۳۶۳-۳۶۱؛ ۲۶، ج ۲۸، ص ۲۱۹؛ ۵۳، ص ۷۱۱؛ ۴۹، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ۱۹، ص ۲۰۳-۲۰۴] شهیدثانی در مسالک اظهار می‌دارد: هیچ اختلاف نظری

بین مسلمین در شرعیت این عقد وجود ندارد بلکه پیامبر(ص) در برخی مواضع به آن امر کرده است. دلیل این امر فایده‌ای است که بر این عقد مترتب می‌شود که از اهم فواید دینی محسوب می‌گردد زیرا این عقد سبب تقویت قوای نظامی و غلبه بر دشمن در جهاد با دشمنان خدا می‌شود که از بزرگترین ارکان اسلام است و به دلیل این فایده است که از لَهو و لعبی که معامله از آن نهی شده، خارج می‌شود. [۲۳، ج ۶، ص ۶۹]

این ملاک از مجموع آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد قابل برداشت است. خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ" (الانفال: ۶۰) در این آیه به کسب قوه برای آمادگی جهت مقابله با دشمن تأکید شده است. در روایتی از پیامبر (ص) قوه به تیراندازی تفسیر شده [۱۴، ج ۱۹، ص ۲۵۲؛ ۴۲، ج ۵، ص ۴۹] و تیر اندازی تیری از تیرهای اسلام تعریف شده است. [۴۲، ج ۵، ص ۵۱] سپس در روایات دیگری برای تیر اندازی و اسب‌دوانی احکامی بیان شده و مسابقه در آن و قرار دادن عوض در مقابل آن را جایز شمرده است [۱۴، ج ۱۹، ص ۲۵۳].

از تأکید آیه بر کسب قوه و تمرین اسب‌دوانی، برای آمادگی برای جهاد و مقابله با دشمن و تفسیر قوه به تیراندازی و سپس بیان جواز مسابقه در مقابل عوض، در تیراندازی و اسب‌دوانی، در روایات دیگر، برداشت می‌شود که ملاک جواز مسابقه در تیراندازی و اسب‌دوانی آمادگی برای جهاد و دفاع از اسلام است. استدلال مذکور به صورت برهان زیر قابل تبیین است:

مقدمه اول: برای آمادگی جهت مقابله با دشمن، کسب قوه و تمرین اسب‌دوانی لازم است. مقدمه دوم: مقصود از قوه، تیراندازی است.

نتیجه: برای آمادگی برای مقابله با دشمن، تمرین تیراندازی و اسب‌دوانی لازم است. نتیجه این برهان، مقدمه برهان بعدی - برای رسیدن به نتیجه مطلوب - را تشکیل می‌دهد:

مقدمه اول: برای آمادگی جهت مقابله با دشمن، تمرین تیراندازی و اسب‌دوانی لازم است. مقدمه دوم: در تیراندازی و اسب‌دوانی، مسابقه در مقابل عوض جایز است.

نتیجه: برای آمادگی جهت مقابله با دشمن، مسابقه با عوض جایز است.

بنابراین از مجموع ادله به دست می‌آید که ملاک تشریح سبق و رمایه تقویت نیروی نظامی مسلمین برای جهاد و دفاع از اسلام است و مسابقه در تیراندازی و اسب‌دوانی برای آمادگی نظامی جهت صیانت از اسلام تشریح شده است. لذا مذکورات در روایات

خصوصیتی ندارد بلکه این ملاک در همه آلات جنگی وجود دارد. در نتیجه، از لحاظ مشروعیت سبق و رمایه، تفاوتی بین اسب‌دوانی و تیراندازی با تسلیحات نظامی مدرن وجود ندارد. [۳۱، ج ۸، ص ۵۰۸]

بر این اساس ذکر اسب و شتر، شمشیر، نیزه و تیر و کمان در نص از آن جهت بوده که این امور وسایل متداول نظامی در آن دوران بوده است نه اینکه این وسایل خصوصیت و ویژگی خاصی داشته‌اند. [۷، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ۴۹، ج ۴، ص ۲۳۶-۲۳۵؛ ۵۰، ج ۲، ص ۷۵۶؛ ۳۱، ج ۸، ص ۵۰۸] به عبارت دیگر این روایات در مورد غالب وارد شده‌اند. یعنی از آن جهت که ملاک اصلی در تشریح سبق و رمایه آمادگی برای جهاد بوده و در زمان ائمه (ع) جهاد غالباً با وسایل مخصوص در روایات واقع می‌شده، به ذکر این موارد اکتفا شده؛ وگرنه این وسایل ویژگی خاصی ندارند. بنابراین وقتی روایت حمل بر غالب شود دیگر دلالت بر حصر نمی‌کند.

جستجو در عبارات فقهای متقدم نیز نشان می‌دهد برخی از فقهای که قائل به عدم جواز سبق و رمایه در غیرمنصوصات هستند، از آن جهت بوده که سلاح متداول در زمان آن‌ها همان مذکورات در نص بوده است. شیخ در مبسوط در تعیین وسائلی که سبق و رمایه در آنها جایز است اظهار می‌دارد: "در پرتاب سنگ سبق و رمایه جایز نیست. چون از این وسیله در جنگ استفاده نمی‌شود." [۲۵، ج ۶، ص ۲۹۱] علامه حلی و صاحب حدائق نیز شبیه همین مطلب را ذکر کرده‌اند. [۳۶، ص ۳۵۴؛ ۹، ج ۲، ص ۳۶۴] از این عبارات فقها استنباط می‌شود که محور جواز سبق و رمایه در نزد ایشان کاربرد نظامی آن وسیله بوده است. سخن محقق اردبیلی در تحلیل اظهارات علامه حلی نیز این مطلب را تأیید می‌کند. ایشان پس از بیان نظرات علامه می‌نویسد: "از عبارات علامه برداشت می‌شود که هر آنچه در جنگ استفاده می‌شود، استثناء می‌شود. بنابراین به نظر ایشان، مسابقه در هر چیزی که کاربرد نظامی ندارد، حرام است به همین دلیل است که ایشان برای تحریم همه امور مذکور اینگونه استدلال کرده‌اند: "بانه لیس للحرب" [۴۳، ج ۱۰، ص ۱۷۱] مؤید این مطلب این است که علامه در جای دیگر اظهار می‌دارد: "انما یصح السبق علی ما هو عده للقتال" [۳۴، ج ۲، ص ۳۷۳].

از این عبارات فقها استنباط می‌شود که در نزد ایشان مسلم بوده که ملاک اصلی سبق و رمایه تقویت قوای نظامی مسلمین برای دفاع از کیان اسلام است و در استنباط موارد جواز و عدم جواز سبق و رمایه نیز از همین امر استفاده کرده‌اند. بنابراین شاید

بتوان نتیجه‌گیری کرد که دلیل اکتفاء بسیاری از فقهای متقدم بر منصوصات شرعی، جمود بر لفظ روایات نبوده بلکه دلیل نظر آنها این بوده که در زمان این فقها نیز تسلیحات متداول نظامی همان موارد مذکور در روایت بوده است.

دلیل دوم این نظریه استناد به اصل جواز است [۴۳، ج ۱۰، ص ۱۶۷] توضیح مطلب این است که بر اساس ادله شرعی، اصل جواز هر چیزی است، تا اینکه علم به حرمت آن حاصل شود. بنابراین، چون علم به تحریم قمار وجود دارد، حرام است. همچنین بازی با آلات قمار ولو شرط‌بندی هم نباشد، بر اساس ادله حرام است. اما مسابقه در سلاح‌های جنگی غیر منصوص جایز است، زیرا روایات بر حصر این عقد در منصوصات دلالتی ندارد و هیچ دلیل دیگری نیز بر ممنوعیت آن دلالت نمی‌کند؛ بنابراین هیچ دلیلی در حرمت آن وجود ندارد. [۴۷، ص ۳۰۰]

۲-۴- نظریه جواز در قالب عقود دیگر

برخی فقها معتقدند مسابقه در غیرموارد مذکور در روایت، مانند شنا و تسلیحات نظامی مدرن صحیح است. منتهی نه باعنوان سبق و رمایه بلکه با عنوان جعاله یا اجاره. بنابراین بر این مسابقات آثار و شرایط این عقود جاری می‌شود و آثار عقدسبق و رمایه در آنها وجود ندارد. [۲۰، ج ۲۱، ص ۲۸۶؛ ۱۰، ج ۵، ص ۳۷۳، ۳۸۱] البته شرط صحت این نوع مسابقات این است که هدف و غرض راجح یا مباحی که عقلا به آن تمایل دارند بر آن مترتب باشد و همچنین لهوولعب محسوب نشود. [همانجا] بنابراین اگر به انگیزه لهوولعب یا تحصیل مال با وسایل غیرشرعی باشند که ادله لهوولعب شامل آن بشود، اجرای آن حرام است ولو اینکه بدون عوض باشد و در صورتی که همراه عوض باشد حرمت آن شدیدتر می‌شود. [۱۰، ج ۵، ص ۳۷۳، ۳۸۱] دلیل این قول این است که این فقها معتقدند از آنجا که غرض عقلانی مباح یا راجح شرعی در اینگونه مسابقات وجود دارد دلیلی برای منع این مسابقات وجود ندارد. از طرف دیگر بر اساس روایات عقد سبق و رمایه، با شرایط خاص خود، منحصر در موارد مذکور است و از غیر موارد منصوص نفی شده است. بنابراین به دلیل ترتب غرض عقلانی غیرمحرم بر این مسابقات، این مسابقات در قالب جعاله یا اجاره صحیح است. [همان]

۲-۵- نقد و بررسی این نظریه

تفاوت این نظریه با نظریه اول در این است که نظر اول بطور کلی مسابقه در غیر موارد

منصوص را ملحق به قمار و حرام می‌دانست. اما بنابر نظریه سوم مسابقه در غیرمنصوصات در قالب جعاله یا اجاره صحیح است ولی عقد سبق و رمایه در آنها جایز نیست. به این دلیل که عقد سبق و رمایه براساس روایات، منحصر در موارد مذکور در روایت است. بنابراین از این جهت که فقهای گروه دوم نیز قائل به حصر روایات در موارد منصوص هستند با گروه اول مشترک می‌شوند و همان پاسخی که در نظریه اول در جهت عدم حصر روایات در موارد منصوص داده شد اینجا هم جاری می‌شود. علاوه بر این به نظر می‌رسد مسابقه در قالب اجاره صحیح نباشد، زیرا درست است که ظاهر هر دو عقد بذل عوض در مقابل عمل است؛ منتهی در عقد اجاره، معلوم بودن طرفین عقد، یعنی اجیر و مستأجر در هنگام عقد، شرط صحت اجاره است، که این شرط در مسابقه محقق نمی‌شود. زیرا در مسابقه عوض به سابق تعلق می‌گیرد و تعیین سابق در عقد ممکن نیست. بنابراین به جهت عدم یقین به طرف عقد، انعقاد آن در قالب اجاره صحیح نیست. [۸، ج ۱۲، ص ۲۱۷]

مسابقه در قالب جعاله اشکالی ندارد اما جعاله و سبق و رمایه علی‌رغم اتحاد در برخی وجوه، در بعضی از آثار و شرایط با یکدیگر تفاوت دارند (مثلاً جعاله عقدی جایز است در حالی که سبق و رمایه لازم است) و در صورت انعقاد در قالب جعاله باید شرایط عقد جعاله در آن رعایت شود. به هر حال اگر کسی وحدت ملاکی که در نظریه قبلی تبیین شد، را نپذیرد، برای اثبات جواز مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن می‌توان از عقد جعاله استفاده کرد. زیرا این مسابقه، دارای غرض صحیح عقلایی و راجح شرعی است و جعاله بر هر کاری که حلال و در نظر عقلا مورد قصد و توجه باشد، صحیح است.

۲-۶- تحلیل مسئله و بیان نظر برگزیده

از مطالب مذکور آشکار می‌شود که قول اول قابل پذیرش نیست؛ زیرا مهم‌ترین دلیل این نظریه استفاده حصر از روایات سبق و رمایه است در حالی که احتمال دارد حصر در روایت به اعتبار واقع باشد. یعنی از آن جهت که وسایل جنگی در زمان ائمه (ع) منحصر در اشیاء مذکور در روایات بوده، ائمه (ع) این موارد را ذکر کرده‌اند. بر این اساس روایات اصلاً دلالتی بر منع مسابقه در تسلیحات نظامی جدید ندارد. [۴۷، ص ۳۰۰]

اما به نظر می‌رسد قول دوم نیز با این اطلاق صحیح نباشد. توضیح مطلب این است که فقهای قائل به نظریه دوم علاوه بر مشروعیت سبق و رمایه در تسلیحات نظامی

مدرن، این عقد را در موارد مذکور در روایات نیز جایز می‌دانند؛ در حالی که بسیاری از موارد منصوص در زمان حاضر سلاح جنگی محسوب نمی‌شود و کاربرد نظامی ندارد. بنابراین با توجه به ملاک تشریح این عقد اسلامی - که در نظریه دوم تبیین شد - می‌توان گفت این عقد فقط در وسایلی جایز است که سلاح جنگی محسوب می‌شود. و از آنجا که این وسایل در هر زمان و مکانی متفاوت می‌شوند، موضوع سبق و رمایه یعنی وسایلی که این عقد اسلامی در آن‌ها جایز است، با توجه به شرایط زمانی و مکانی و وسایلی که در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. بنابراین عقد سبق و رمایه در منصوصات تا زمانی جایز است که این موارد، وسایل جنگی محسوب شده و موجب تقویت قوای نظامی مسلمین شوند. از نوشته‌های برخی فقها نیز این نظر قابل استنباط است [۲۹، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ۱۰، ج ۵، ص ۳۷۳-۳۷۴].

دلیل این نظریه این است که ملاک اصلی این تشریح اسلامی، چنانچه در نظریه دوم تبیین شد، تقویت نیروی نظامی مسلمین برای صیانت و حفاظت از اسلام در برابر دشمنان است و مسلم است که دفاع از کیان اسلام و حفظ استقلال و صیانت از حدود آن در مقابل دشمنان، قانونی ثابت و غیرقابل تغییر است، که عقل و فطرت آن را تأیید می‌کند. اما کیفیت دفاع، نوع سلاح، لزوم خدمت سربازی و عدم آن و... موکول به مقتضیات زمان است و با تغییر زمان تغییر می‌کند. بنابراین تدوین باب سبق و رمایه و بیان احکام آن و احادیثی که در این باب نقل شده، احکام اصلی و ثابت اسلامی نیستند که شارع به صورت اساسی بیان فرموده باشد بلکه تطبیقی برای آن حکم کلی و ثابت محسوب می‌شود و هدف اصلی آن تحصیل قدرت کافی در مقابل دشمنان در آن زمان بوده است. اما در عصر حاضر احکام باید مطابق مقتضیات همین عصر تطبیق شود. بنابراین اسب و تیر و نیزه و... اعتباری ندارد بلکه ملاک سلاح معروف و متداول در هر عصر و زمانی است و اینکه رسول‌الله(ص) این موارد را در روایت ذکر فرموده به این دلیل است که موارد مذکور در آن زمان سلاح معروف و متداول جنگی بوده است. [۱۹، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ ۴۹، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ۵۰، ج ۲، ص ۷۵۶] خلاصه غایت و غرض اصلی تشریح سبق و رمایه تقویت و آمادگی مسلمین برای دفاع از اسلام در مقابل دشمنان است. چنانچه بسیاری از فقها به این مطلب اشاره کرده‌اند. بنابراین وقتی ملاک سبق و رمایه این امر باشد تفاوتی بین اسب و نیزه در زمان پیامبر(ص) و سلاح‌های جدید در زمان حاضر وجود ندارد. و از طرف دیگر با منتفی شدن کاربرد نظامی منصوصات شرعی در عصر حاضر، دلیلی برای مشروعیت این عقد در آنها وجود ندارد.

اگر کسی استفاده از وحدت ملاک، برای تجویز عقد سبق و رمایه در سلاحهای مدرن، را نپذیرد یا در آن تشکیک کند، می‌توان از عقد جعاله برای تجویز مسابقه در این امور استفاده کرد. زیرا مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن دارای غرض صحیح عقلایی و راجح شرعی است و جعاله بر هر کاری که حلال و در نظر عقلا مورد قصد و توجه باشد، صحیح است.

نتیجه

۱. سبق و رمایه در صورتی که بدون عوض باشد در تسلیحات نظامی مدرن جایز است. زیرا هیچ یک از ادله قائلین به حرمت برای اثبات حرمت مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات - در صورتی که دارای فایده و غرض صحیح عقلایی باشد - کافی نیست. بنابراین وقتی دلیلی بر حرمت وجود نداشته باشد مقتضای اصل اباحه شرعی و قبح بلابیان عقلی، اباحه مسابقه بدون عوض در غیر منصوصات است البته به شرطی که دارای فایده و غرض عقلایی باشد. لذا از آنجا که مسابقه در سلاحهای نظامی مدرن دارای مهمترین اغراض عقلایی و شرعی یعنی آمادگی برای جهاد و دفاع است، جایز می‌باشد.

۲. سبق و رمایه در مقابل عوض، در تسلیحات نظامی مدرن جایز است اما در بسیاری از موارد مذکور در روایت جایز نیست. زیرا ملاک سبق و رمایه تقویت قوای نظامی مسلمین برای جهاد و دفاع از اسلام است. در حالی که بسیاری از موارد منصوص در زمان حاضر سلاح جنگی محسوب نمی‌شود و کاربرد نظامی ندارد. بنابراین با توجه به غایت و هدف تشریح این عقد اسلامی می‌توان گفت این عقد فقط در وسایلی جایز است که، در هر زمان و مکانی، سلاح جنگی محسوب می‌شود. بنابراین عقد سبق و رمایه در منصوصات تا زمانی جایز است که این موارد، وسایل جنگی محسوب شده و موجب تقویت قوای نظامی مسلمین گردند. لذا با منتفی شدن کاربرد نظامی منصوصات شرعی در عصر حاضر، دلیلی برای مشروعیت عقد سبق و رمایه در آنها وجود ندارد.

۳. اگر کسی استفاده از وحدت ملاک، برای تجویز عقد سبق و رمایه در سلاحهای مدرن، را نپذیرد یا در آن تشکیک کند، می‌توان از عقد جعاله برای تجویز مسابقه در این امور استفاده کرد. زیرا مسابقه در تسلیحات نظامی مدرن دارای غرض صحیح عقلایی و راجح شرعی است و جعاله بر هر کاری که حلال بوده و در نظر عقلا مورد قصد و توجه باشد، صحیح است. البته مسابقه در قالب جعاله در هر امری که غرض عقلایی حلالی داشته باشد - مانند تقویت جسم، تقویت ذهن، توسعه علوم و فرهنگ اسلامی و... - جایز می‌گردد.

بنابراین مسابقه در قالب جعاله در منصوصات نیز، مانند اسب‌دوانی و تیراندازی با تیر و کمان، در صورتی که با غرض صحیح عقلایی، مانند تقویت بدن، باشد، جایز می‌گردد.

منابع

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). *السرائر*. ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۳]. اسدی حلی، جمال الدین احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). *المهذب البارع فی شرح مختصر النافع*. ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۴]. اسدی فاضل کاظمی، جواد بن سعد (؟). *مسالك الافهام الی آیات الاحکام*. ج ۳، (؟)
- [۵]. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۷). *صحیفه امام (ره)*. ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۶]. امامی، سید حسن (۱۳۷۶). *حقوق مدنی، قزوین*. ج ۲، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ سیزدهم.
- [۷]. ایروانی، محمدباقر (۱۴۲۷ق). *دروس التمهیدیه فی الفقه الاستدلالی*. ج ۲، قم، (؟).
- [۸]. بحرانی، حسین بن محمد (؟). *الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع*. قم، مجمع البحوث العلمیه.
- [۹]. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره*. ج ۲۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۱۰]. بصری بحرانی، زین الدین محمد امین (۱۴۱۳ق). *کلمه التقوی*. ج ۵، قم، نشر سید جواد وداعی.
- [۱۱]. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق). *منهاج الصالحین (لتبریزی)*. ج ۲، قم، مجمع الامام المهدی (عج).
- [۱۲]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج ۳، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.
- [۱۳]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۹). *مجموعه محشی قانون مدنی*. تهران، گنج دانش، چاپ چهارم.
- [۱۴]. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. ج ۱۸ و ۳، قم مؤسسه آل البيت (ع).
- [۱۵]. حسینی روحانی، سید صادق (؟). *منهاج الصالحین*. ج ۲، (؟).
- [۱۶]. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین (للسیستانی)*. قم، دفتر آیه الله سیستانی.
- [۱۷]. حسینی شیرازی، سید محمد (؟). *ایصال الطالب الی مکاسب*. ج ۳، تهران، منشورات اعلمی.
- [۱۸]. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*. ج ۲، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۱۹]. سبحانی تبریزی، جعفر (؟). *الاعتصام بالکتاب و السنه*. قم، (؟).
- [۲۰]. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الاحکام*. ج ۷، قم، مؤسسه المنار.
- [۲۱]. سبزواری، سید عبدالاعلی (؟). *جامع الاحکام الشرعیه*. قم، مؤسسه المنار.
- [۲۲]. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد*. ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۲۳]. شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- [۲۴]. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۴ق). *حاشیه الارشاد*. ج ۲، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- [۲۵]. شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷). *المسوط فی الفقه الامامیه*. ج ۶، تهران، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- [۲۶]. صاحب جواهر، محمدحسن نجفی (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*. ج ۲۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۲۷]. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه*. ج ۵، بیروت، دار الاضواء للطباعة و النشر.
- [۲۸]. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*. ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۲۹]. الطباطبایی الحکیم، سیدمحسن (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)*. ج ۲، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۳۰]. طباطبایی حائری (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. ج ۲، قم، مؤسسه آل البيت(ع).
- [۳۱]. طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۲۶ ق). *مبانی منهاج الصالحین*. ج ۸، قم، منشورات قلم الشرق.
- [۳۲]. عدل، مصطفی، منصورالسلطنه (۱۳۷۸). *حقوق مدنی*. قزوین، انتشارات طه.
- [۳۳]. عراقی، آقاضیاءالدين (۱۴۲۱ق). *حاشیه المکاسب(تقریرات، للنجم ابادی)*. قم، انتشارات غفور.
- [۳۴]. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام*. ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۳۵]. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۳۶]. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۸ق). *تذکره الفقهاء*. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۳۷]. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. ج ۳، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- [۳۸]. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سیوری حلی (۱۴۰۴ق). *التنقیح الرائع*. قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۳۹]. فخرالمحققین، محمدبن حسن (۱۳۷۸ق). *ایضاح الفوائد*. قم اسماعیلیان.
- [۴۰]. فیاض کابلی، محمد اسحاق (؟). *منهاج الصالحین (للفیاض)*. ج ۲، (؟).
- [۴۱]. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*. ج ۲، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
- [۴۲]. کلینی، ابو جعفرمحمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۴۳]. محقق اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۴۴]. محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام*. ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۴۵]. محقق خراسانی، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *کفایه الاحکام*. ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۴۶]. مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۸ق). *الفقه المأثور*. قم، نشر الهادی.
- [۴۷]. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ ق). *فقه المعاملات*. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۸]. مطهری، مرتضی(؟). *فقه و حقوق (مجموعه آثار)*. ج ۲۰، قم، (؟).

- [۴۹]. مغنیه ، محمدجواد (۱۴۲۱ ق). *فقه الامام الصادق (ع)*. ج ۴، قم، مؤسسه انصاریان.
- [۵۰]. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ ق). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. ج ۲، قم، نشر تفکر.
- [۵۱]. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۱۵ ق). *دراسات فی المكاسب المحرمه*. ج ۲، قم، نشر تفکر.
- [۵۲]. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین (للخویی)*. ج ۲، قم نشر مدینه العلم.
- [۵۳]. نراقی، مولی احمد (۱۴۲۵ ق). *الحاشیه علی الروضه البهیة*. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- [۵۴]. وحیدخراسانی، حسین (۱۴۲۸ ق). *منهاج الصالحین (للوحد)*. ج ۳، قم، مدرسه الامام باقر (ع).

